

خانواده عامل فطري ارتباطات اجتماعي و زن محور آن

<"xml encoding="UTF-8?">

جامعه انساني نیازمند علل و عواملی است تا گرایش و صفای ضمیر بین افراد آن تامین شود و صرف قوانین و مقررات سیاسی، نظامی، اقتصادی، و... کافی نیست، و باتوجه به اینکه جامعه بزرگ بشری را جوامع کوچک خانوادگی می‌سازند، یعنی اعضای خانواده‌های متعدد عامل تحقق مجتمع رسمی خواهند بود. پس مادامی که سبب رافت و گرایش در بین اعضای خانواده پدید نیاید، هنگام تشکیل مجتمع رسمی نیز هرگز بین آحاد آن، صفای ضمیر و روح تعاون و پیوند دوستی برقرار نخواهد شد. و مهمترین عاملی که بین افراد خانواده رافت و گذشت و ایثار را زنده می‌کند تجلی روح مادر در بین اعضای خانواده است زیرا پدر گرچه به عنوان "الرجال قوامون علی النساء عهده‌دار" کارهای اداری و اجرایی جامعه کوچک یعنی خانواده است، لیکن اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پیریزی شده است، به عهده مادر است زیرا مادر مبدا پیدایش و پرورش فرزندان است که هر کدام به دیگری وابسته‌اند.

افرادی که از یک زن متولد می‌شوند همانند میوه‌های یک درخت نیستند که روح ایثار انسانی در سطح گیاه ظهور نکند و یا مانند بچه‌های یک حیوان ماده نخواهند بود که فاقد تعاون انسانی بوده و پیوند خاص بشری در آنها جلوه نکند، بلکه فرزندان متولد شده از یک زن، خواه بدون فاصله و خواه با فاصله نسبت به یکدیگر رؤوف و مهربان بوده و پیوند فطری خود را در پرتو تعالیم دینی شکوفا می‌نمایند، و در مکتب دین حفظ این پیوند و فراموش نکردن آن از واجبهایی مهم به شمار آمده و اگر کسی این پیوند فطری و دینی را قطع نماید، از رحمت ویژه الهی محروم خواهد شد. زیرا صله رحم از چیزهایی است که خداوند به آن امر فرموده و درباره قاطعان چیزی که باید وصل شود، لعن و نفرین الهی وعده داده شده است.

الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون (1)

آنانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند، و آنچه را خدا به پیوستن آن امر نموده می‌گسلند، و در زمین به فساد می‌پردازند، آنانند که زیانکارند.

و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار (2)

آنانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند، و آنچه را خدا به پیوستن آن امر نموده می‌گسلند، و در زمین به فساد می‌پردازند، آنانند که بر آنان لعنت است و بد فرجامی آن دنیا است.

و شاید سر این که افساد در زمین در کنار قطع چیزی که وصل آن لازم است، ذکر شده این باشد که افرادی که در خانواده‌های اصیل دینی رشد کرده و قانون صله رحم و حفظ پیوند اعضا را ادراک کرده و عمل نموده‌اند، وقتی وارد اجتماع رسمی شدند دست به افساد در زمین نمی‌زنند زیرا با روح پیوند و ایثار گام به جامعه نهاده‌اند، ولی کسانی که از خانواده‌های غیر دینی برخاسته‌اند چون اصل پیوند فطری بین اعضا در اثر رعایت نکردن قانون صله رحم و

لزوم ایثار و تعاون و... فراموش شده است لذا با ورودشان به جامعه رسمی، پدیده‌های توحش و تنمر نیز ظهور خواهد کرد.

خلاصه آن که قانون صله رحم اصل مهمی است که جامعه کوچک را درست تربیت کرده و زمینه شکوفایی جوامع بزرگ را فراهم می‌نماید؛ و صله رحم اصل حاکم بر ارحام و محارم و وابستگان خانوادگی است، و منشا همه این رحامت‌ها و وابستگی‌ها همانا پیدایش همه اعضا از یک رحم می‌باشد. و آن رحم که مبدا تکون اعضاء به هم پیوسته است جزو زن بوده و در حقیقت مقام والای زن است که پایه‌گذار قانون ارحام و صله رحم و محرمیت و... است نتیجه آن که مهره اصلی خانواده و رحامت را زن به عهده دارد گرچه مرد مسؤول کارهای اجرایی و تامین هزینه‌های زندگی و مانند آن است. از این رهگذر قرآن کریم ضمن توصیه انسان به گرمی داشتن پدر و مادر، زحمات مادر را که به زایمان و شیر دادن است و منشا اصلی آنها رحم است یادآور می‌شود:

و وصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلاثون شهرا (3)

و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم، مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن واز شیر گرفتنش سی‌ماه است.

حملته امه وهنا علي وهن و فصاله في عامين... (4)

مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی واز شیر باز گرفتنش در دو سال است.

و نیز حضرت امام زین العابدین... در رساله حقوق که لزوم رعایت حقوق ارحام را به مقدار پیوستگی و قرابت نسبت به رحم بیان فرموده اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده، آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده و چنین فرموده است: "... و حقوق رحمک کثیرة متصلة بقدر اتصال الرحم في القرابة فواجبها عليك حق امک ثم حق ابیک ثم حق ولدک ثم حق اخیک ثم الاقرب فالاقرب". (5)

عنایت به این نکته لازم است که نقش زن نه تنها ایجاد رابطه رحامت بین اعضای نسبی یک خانواده است، بلکه سهم آن در ایجاد پیوند رحمی بین اعضای نسبی از رحامت خاص برخوردارند و قانون مصاهرت مقررات فراوانی را به همراه دارد. چنانکه از خطبه رسول اکرم (ص) در مراسم عقد زناشویی حضرت امیرالمؤمنین علی... و حضرت فاطمه زهرا چنین استفاده می‌شود که مصاهره و دامادی ملحق به نسب بوده و عروس و داماد به منزله فرزندان دو خانواده محسوب شده و اعضای دو خانواده مخصوصا پدران و مادران به منزله افراد یک خانواده به حساب خواهند آمد. و این قانون که از خطبه رسول اکرم و نیز از خطبه عقد زناشویی حضرت جواد... توسط حضرت امام رضا... (6)

استفاده شده از آیه:

هو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا (7)

و اوست که از آب بشری آفرید و او را دارای خویشاوندی نسبی و دامادی قرار داد.

از اینجا وارد مطلب مهم می‌شویم و آن روشن شدن نقش زن در ایجاد ارتباط بین مرد به عنوان پدر و بین افرادی که بعدا متولد می‌شوند به عنوان فرزندان. یعنی زن اولاً مرد را جذب کرده و رافت و عاطفت را محور ارتباط با او قرار می‌دهد، سپس به کمک همان عنصر آرام و فرد رؤوف و مطمئن، خانواده آرام و ارحام مهربان را تشکیل می‌دهد. اگر این مساله مستدل شود معلوم خواهد شد که اصالت خانواده به عهده زن است و پایه اصیل تاسیس حوزه رحامت و تشکیل حکومت مهر و رافت همانا زن خواهد بود؛ که اولاً مرد اجنبی را خویشاوند می‌کند، ثانیاً با تکثیر نسل دو خانواده را در اثر مصاهره به هم مرتبط می‌نماید، ثالثاً در اثر رضاع افراد بیگانه را محرم نموده و پیوند

رضاعي را چون پیوند مصاهره به رابطه رحمت نزدیک می‌نماید.

پی نوشت ها :

1- بقره، 27.

2- رعد، 25.

3- احقاف، 15.

4- لقمان، 14.

5- تحف العقول، رساله حقوق امام سجاد

6- بحار، ط بیروت، ج ، ص و .

7- فرقان، 54.

***** برگرفته از کتاب زن در آئینه جلال و جمال از آیت الله جوادی آملي